

## Factor Structure and Psychometric Properties of the Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS)

Mohsen Saaidian Asl, Mostafa Khanzadeh, Jafar Hasani, Foroogh Edrisi

## ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی

محسن سعیدیان اصل<sup>۱</sup>، مصطفی خانزاده<sup>۲</sup>، جعفر حسینی<sup>۳</sup>، فروغ ادریسی<sup>۴</sup>

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۸

پذیرش اولیه: ۹۰/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۸

### Abstract

The aim of this research was to investigate the Factor Structure and Psychometric Properties of the Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS). Using stratified random sampling method, 321 students (148 male and 173 female students) from Shiraz University were selected. Participants completed Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS), revised version of the adult attachment scale (RAAS), Beck Depression Inventory (BDI-II) and Beck Anxiety Inventory (BAI). The construct validity of the Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS) was assessed via factor analysis and internal correlations. Also, Concurrent validity coefficients of this scale were calculated based on the correlations of this scale with the revised version of the adult attachment scale (RAAS), Beck Depression Inventory (BDI-II) and Beck Anxiety Inventory (BAI) scores. Moreover, using Cronbach's Alpha the reliability of the Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS) was assessed. Principal component analysis with Varimax-rotation showed the three factors including Secure, anxious and avoidant attachments which were in accordance with factor structure of SAAM in major population. Result of internal correlations and correlations with BAI, BDI-II and RASS, revealed good construct and Convergent validity. Finally, reliability of these subscales were reached between 0/72 - 0/84 according to the Cronbach's Alpha. According to the results of this study, SAAM can be used for the Iranian population in clinical and research fields as a reliable and valid scale.

**Keywords:** Attachment, State Adult Attachment Scale (SAAM), Factor structure, Psychometric properties.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM)، انجام شد. بدین منظور، ۳۲۱ نفر (شامل ۱۴۸ نفر پسر، ۱۷۳ نفر دختر) از دانشجویان دانشگاه شیراز با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کننده‌ها نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM)، نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی مقیاس دلبستگی بزرگسال (RAAS)، ویرایش دوم سیاهه‌ی افسردگی بک (BDI-II) و سیاهه‌ی اضطراب بک (BAI) را تکمیل نمودند. روایی سازه‌ی نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM) از طریق تحلیل عاملی و همبستگی‌های درونی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، ضرایب روایی همزمان (همگرا) مقیاس بر اساس ضرایب همبستگی این مقیاس با نمرات نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی مقیاس دلبستگی بزرگسال (RAAS)، ویرایش دوم سیاهه‌ی افسردگی بک (BDI-II) و سیاهه‌ی اضطراب بک (BAI) محاسبه شد. علاوه بر این، برای بررسی اعتبار نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج تحلیل مؤلفه‌ی اصلی با استفاده از چرخش واریماکس، وجود سه عامل دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را برای این مقیاس آشکار ساخت که هماهنگ با ساختار عاملی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM) در جامعه‌ی اصلی بود. نتایج همبستگی‌های درونی و همبستگی این مقیاس با نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی مقیاس دلبستگی بزرگسال (RAAS)، ویرایش دوم سیاهه‌ی افسردگی بک (BDI-II) و سیاهه‌ی اضطراب بک (BAI) بیانگر روایی سازه و همگرایی مطلوب مقیاس بود. اعتبار این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها، بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۴ به دست آمد. با توجه به ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM) در این پژوهش، می‌توان از این مقیاس در زمینه‌های پژوهشی و بالینی در جمعیت ایرانی استفاده نمود.

**کلیدواژه‌ها:** دلبستگی، مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال، ساختار عاملی، ویژگی‌های روان‌سنجی.

۱. نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز، mohsen.saidian@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز

۳. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه خوارزمی تهران

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز



## مقدمه

بین‌فردی، عشق و حمایت، و البته نگرانی مداوم در زمینه‌ی طرد یا رهاشدگی است. در نهایت، سبک دلبستگی اجتنابی، با اکراه در اطمینان به دیگران، تأکید بر استقلال شخصی و اعتماد به نفس، قدرت تحمل نسبتاً پایین در برابر صمیمیت بین‌فردی و وابستگی‌های متقابل، مشخص می‌شود (اینسورث، ۱۹۸۹؛ میکولینسر<sup>۱۱</sup> و شیور<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷). در امتداد کارهای ارزشمند بالبی و اینسورث، نظریه‌ی دلبستگی بزرگسال توسط میکولینسر و شیور (۲۰۰۳) مطرح گردید. این نظریه، در واقع توضیح و تبیین تفاوت‌های فردی در شناخت‌ها، احساسات و رفتارهایی است که در بافت و زمینه‌ای از روابط نزدیک در دوران بزرگسالی اتفاق می‌افتد. بر اساس این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی، از تجربیات فرد در روابط نزدیک گذشته ظاهر می‌شود، که با ارتباطات دلبستگی بین کودک و مراقب اولیه‌اش آغاز می‌شود. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که این الگوهای ارتباطی در بزرگسالی، شبیه به سبک‌های دلبستگی کودکی می‌باشد.

افزون بر موارد فوق، سبک‌های دلبستگی اغلب به‌عنوان یک بعد شخصیتی پایدار در نظر گرفته می‌شود. پژوهش‌های بسیاری از این اندیشه حمایت کرده‌اند (به‌عنوان مثال، کیرکپاتریک<sup>۱۳</sup> و هازن<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۴؛ سیمپسون<sup>۱۵</sup>، کولینز<sup>۱۶</sup>، تران<sup>۱۷</sup>، و هایدن<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۷). البته شایان ذکر است که، بالبی و برخی از نظریه‌پردازان معاصر وی، بر این باور بودند که سبک‌های دلبستگی، فراتر از حالت‌های پایدار است؛ به همین دلیل، آن‌ها از واژه‌های مدل‌های کاری و نظام پویه‌های رفتاری استفاده کرده‌اند (گیلات<sup>۱۹</sup>، سلکاک<sup>۲۰</sup> و شیور، ۲۰۰۸). گرچه بالبی بر این باور بود که مدل‌های کاری که

اصطلاح دلبستگی را اولین بار بالبی<sup>۱</sup> به منظور بیان پیوند عاطفی نیرومندی که کودک با مراقب اولیه‌اش (مادر یا جانشین مادر) برقرار می‌کند، بکار برد. به اعتقاد وی روابط کودک با مراقبان در سال‌های نخستین زندگی، منجر به شکل‌گیری الگوهای روانی ویژه‌ای می‌شود که مبنای عمل فرد، در زمینه‌ی تعاملات بین‌فردی در دوران بزرگسالی می‌شود؛ بالبی این الگوهای روانی را مدل‌های کاری<sup>۲</sup> نامید (بالبی، ۱۹۷۳). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند، مراقبانی که به نیازهای کودک به‌کندی پاسخ داده، غیرقابل اعتماد و طردکننده هستند و می‌توانند پایه‌های یک مدل کاری بیرونی<sup>۳</sup> را در کودک پی‌ریزی کنند که کودک را متقاعد می‌کند، جهان بیرون و اطرافیان را از طریق لنزی که با بی‌اعتمادی مخدوش شده است، بنگرد (مین<sup>۴</sup> و هسی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲). برعکس، مدل کاری درونی<sup>۶</sup>، یک طرحواره پایدار در مورد قابل دسترس بودن و کیفیت خوب روابط با چهره دلبستگی<sup>۷</sup> است و نشانه‌ای ناهشیار از تحول عاطفی فرد است که بر روابط آتی فرد تأثیر می‌گذارد (مورتون<sup>۸</sup> و برون<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸).

در راستای گسترش مفهوم دلبستگی، اینسورث<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۹، ۱۹۸۹) با انجام پژوهش‌های متعدّد سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی/دوسوگرا و اجتنابی را معرفی کرد. سبک دلبستگی ایمن با ویژگی‌هایی چون حس اعتماد در پاسخ‌دهی به چهره‌ی دلبستگی، ارزش و توانایی شخصی، و احساس راحتی در قبال صمیمیت و وابستگی متقابل، مشخص می‌شود. ویژگی بارز سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، احساس ناایمنی درباره‌ی ارزش‌ها و توانایی‌های خود، نیاز مبرم به صمیمیت

11. Mikulincer  
12. Shaver  
13. Kirkpatrick  
14. Hazan  
15. Simpson  
16. Collins  
17. Tran  
18. Haydon  
19. Gillath  
20. Selcuk

1. Bowlby  
2. Working Model  
3. External Working Model  
4. Main  
5. Hess  
6. Internal Working Model  
7. Attachment Figure  
8. Morton  
9. Browne  
10. Ainsworth



فعال شود، قادر خواهد بود سطوح دلبستگی مطابق با خود، اعم از اضطرابی، اجتنابی و یا ایمن را فعال کند (بالدوین و فهر، ۱۹۹۵).

در سال‌های اخیر، پژوهشگران متعددی پیشنهاد کرده‌اند که فرض پایداری سبک‌های دلبستگی از اعتبار کافی برخوردار نیست؛ چرا که ممکن است این سبک‌ها، به‌وسیله رویدادهای مهم زندگی و عوامل زمینه‌ای گوناگون، تحت تأثیر قرار گیرند و تغییر شکل دهند (فرلی<sup>۱۱</sup> و برامباخ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴؛ گیلاث و همکاران، ۲۰۰۸؛ مکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). بر همین مبنای گیلاث و همکاران (۲۰۰۸)، نتیجه گرفته‌اند که رویدادهای زندگی، به‌ویژه رویدادهایی که در ارتباط با روابط بین‌فردی نزدیک و صمیمانه است، و فعال شدن طرحواره‌های روابط نزدیک، به‌طور موقت بر سبک‌های دلبستگی یا سطوح ایمنی و نایمنی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، این پژوهشگران بر این باورند که این نوسانات موقتی، صرفاً یک موج نیست که اثری گذرا داشته باشد، بلکه منجر به رفتارهای معناداری خواهد شد. به عبارتی دیگر، سبک‌های دلبستگی در طول زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف نوسان دارد، گرچه برخی اوقات حالت‌های پایدار شخص تا حدودی غلبه دارند (گیلاث، هارت<sup>۱۳</sup>، نوفتل<sup>۱۴</sup> و استاک-دال<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹).

تا به امروز، ابزارهای مختلفی برای ارزیابی سبک‌های دلبستگی بزرگسال تدوین شده است. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال (هازن و شیور، ۱۹۸۷)، از جمله نخستین ابزارهایی است که برای ارزیابی این سبک‌ها تدوین شده است؛ این پرسشنامه سه عبارت توصیفی از احساس‌های فرد درباره نزدیکی و صمیمیت در روابط را دربر دارد. هر یک از این عبارات بیان‌کننده یکی از سبک‌های دلبستگی است و آزمودنی‌ها موافقت و مخالفت خود را در مورد هر عبارت، روی یک مقیاس نه درجه‌ای نشان می‌دهند (هازن و شیور، ۱۹۸۷). با این وجود، یکی از پرکاربردترین ابزارها در این زمینه، مقیاس

در اوایل زندگی شکل می‌گیرد، بسیار قدرتمند بوده و تمایل به پایداری در آن‌ها بسیار زیاد است، با این وجود، وی اذعان می‌کند که افراد، به‌ویژه در بافت روابط نزدیک، می‌توانند با وارد شدن در یک رابطه‌ی جدید و در نتیجه، کسب تجارب نو در زمینه‌ی روابط بین‌فردی، در این بازنمایی‌ها تجدید نظر کنند. در همین راستا، چندین پژوهش‌نشان داده‌اند که شکل‌دهی روابط مستحکم و پایدار از طرف فرد، به افزایش دلبستگی ایمن و کاهش دلبستگی نایمن، منجر خواهد شد (به‌عنوان مثال، فینی<sup>۱</sup> و نولر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). نتایج پژوهش‌های گوناگونی گوناگونی حاکی از آن است که درگیر شدن در روابط رضایت‌بخش در یک مقطع زمانی، با افزایش دلبستگی ایمن در آینده ارتباط دارد و اصولاً این‌گونه روابط می‌توانند پایداری سبک‌های دلبستگی را تعدیل کنند (هاموند<sup>۳</sup> و فلچر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱؛ کیرکاپتریک و هازن، ۱۹۹۴؛ داویلا<sup>۵</sup> و سارگت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). در همین راستا، بالدوین<sup>۷</sup> و فهر (۱۹۹۵) نیز، بر این باورند که سبک‌های دلبستگی می‌توانند در زمان‌های مختلف تغییر کند؛ چرا که افراد در یک زمان مشخص، می‌توانند به‌صورت سلسله‌مراتبی، چندین الگو را در رابطه با خود و دیگران در ذهن‌شان داشته باشند. این الگوها، در سطوح بالای سازمان‌دهی، دربردارنده‌ی نقش‌های انتزاعی یا فرض‌هایی درباره‌ی روابط دلبستگی است و در سطوح پایین‌تر، دربرگیرنده‌ی اطلاعاتی در زمینه‌ی روابط و رویدادهای اختصاصی درون‌رابطه-ای می‌شود (کولینز و رید<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰؛ اورال<sup>۹</sup>، فلچر، و فرایسن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳). یادآور می‌شود که هر یک از این الگوها می‌توانند در وهله‌ای معین، فعال شده و در دسترس باشند. بنابراین، هر کدام از این الگوها که بتواند در یک وهله خاص، نیرومندتر از بقیه

1. Feeney

2. Noller

3. Hammond

4. Fletcher

5. Davila

6. Sargent

7. Baldwin

8. Read

9. Overall

10. Friesen

11. Fraley

12. Brumbaugh

13. Hart

14. Nofhle

15. Stockdale



عبارت «زمانی که یک شریک عاطفی<sup>۵</sup> بخواهد با من خیلی صمیمی شود، ناراحت می‌شوم» را این‌گونه بازنویسی کردند «اگر یک دوست خوب یا یک شریک عاطفی، بخواهد با من صمیمی شود، باعث ناراحتی من می‌شود». همچنین، آنها برای این‌که بتوانند افکار، احساسات، و رفتارهای مرتبط با دلبستگی را به‌طور وسیعی پوشش دهند، چندین گویه دیگر نیز برای بازنمایی ابعادی که از تعامل اضطراب و اجتناب به‌وجود می‌آیند، به این گویه‌ها اضافه کردند. تلاش‌های آنها، در نهایت منجر به تدوین مقیاسی متشکل از پنجاه و دو گویه شد که با استفاده از یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت، از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، این سبک‌ها را در قالب حالت دلبستگی ارزیابی می‌کرد.

گیلات و همکاران (۲۰۰۹)، با انجام هفت پژوهش روی نمونه‌های مجزا، به بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس پنجاه و دو گویه‌ای پرداختند. آنها در گام نخست، با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، به یک ساختار سه‌عاملی، دربردارنده‌ی عوامل ایمن، اجتنابی و اضطرابی، دست یافتند. در گام بعدی، آنها با حذف گویه‌هایی که بار عاملی پایین داشتند، تعداد گویه‌ها را به سی و دو رساندند؛ سپس، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، به بررسی ساختار عاملی مقیاس جدید سی و دو گویه‌ای اقدام کردند. این تحلیل نشان داد که بهترین ساختار برای این مقیاس، ساختار سه‌عاملی است که شامل عامل‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی می‌شود. در گام بعدی، گویه‌هایی را که علاوه بر عامل اصلی، روی عوامل دیگر نیز، بارگذاری بالاتر از ۰/۲۰ داشتند و همچنین، گویه‌هایی را که روی عامل پیش‌فرض‌شان بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ داشتند، حذف کردند. در نهایت، مقیاسی با بیست و یک گویه پدید آمد که محتوای هر یک از زیرمقیاس‌ها به‌وسیله ۷ گویه ارزیابی می‌شد. علاوه بر این، گیلات و همکاران (۲۰۰۹)، روایی همگرایی این مقیاس را با استفاده از همبستگی SAAM با ESR و پرسشنامه روابط (RQ) بررسی کردند؛ این نتایج حاکی از روایی همگرایی مطلوب این

تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR)<sup>۱</sup> است که توسط برنان<sup>۲</sup>، کلارک<sup>۳</sup>، و شیور، (۱۹۹۸) تدوین شده است. این ابزار از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار است و صریحاً برای اندازه‌گیری گرایش‌های پایدار دلبستگی طراحی شده است. بنابراین، این ابزار از آزمودنی‌ها می‌خواهد تا تجارب کلی خودشان را در زمینه روابط بین‌فردی، چه در مورد یک فرد و چه در مورد تمامی افراد نزدیک، بازنمایی کنند؛ این امر احتمالاً مدل‌های کاری تعمیم‌یافته و ذهنی را با توجه به مدل‌های گذرا، فعال می‌سازد. علاوه بر این، از آنجا که گویه‌های ECR بدین منظور تدوین شده‌اند که احساسات مربوط به روابط نزدیک را به‌صورت کلی منعکس کند، این مقیاس به آسانی نمی‌تواند حالت‌های دلبستگی را با توجه به موقعیت‌ها، ارزیابی کند.

ابزار دیگری که برای ارزیابی دلبستگی بزرگسال تدوین شده است، مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS)؛ کولینز و رید، (۱۹۹۰) است. این ابزار، مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه‌ی شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی را در قالب سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، براساس ویژگی‌های صفتی، و نه بر اساس ویژگی‌های وابسته به حالت، ارزیابی می‌کند (کولینز و رید، ۱۹۹۰).

با وجود مدل‌ها و پژوهش‌های پیش‌گفته، بیش‌تر ابزارهایی که دلبستگی را در بزرگسالی ارزیابی می‌کنند، غالباً بر ویژگی‌های صفت‌گونه یا رگه‌ای دلبستگی متمرکز شده‌اند. به همین دلیل، و با توجه به اهمیت آشکار نوسانات موقتی در سبک‌های دلبستگی، و البته فقدان هرگونه ابزاری که بتواند این قبیل تغییرات را اندازه‌گیری کند، گیلات و همکاران (۲۰۰۹)، مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال<sup>۴</sup> (SAAM) را تدوین کردند. این پژوهشگران، برای تدوین این مقیاس، در ابتدا، هرکدام از گویه‌های ECR را که قابل تغییر به یک بافت حالتی بود، بازنویسی کردند. برای مثال،

1. The experiences in close relationships scale (ECR)

2. Brennan

3. Clark

4. State Adult Attachment Scale (SAAM)

5. partner

6. Relationship Questionnaire (RQ)



جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی پژوهش

گروه‌های آموزشی	جنسیت	فراوانی	فراوانی نسبی	میانگین سن	انحراف استاندارد
علوم انسانی	مرد	۴۹	۰/۱۵	۲۲/۹۰	۲/۵۷
	زن	۵۹	۰/۱۸	۲۱/۲۱	۱/۴۹
	کل	۱۰۸	۰/۳۳	۲۲/۱۶	۲/۲۳
فنی و مهندسی	مرد	۴۶	۰/۱۴	۲۲/۰۹	۲/۲۶
	زن	۴۹	۰/۱۵	۲۱/۸۲	۱/۸۶
	کل	۹۵	۰/۲۹	۲۱/۹۷	۲/۱۱
علوم پایه	مرد	۳۰	۰/۰۹	۲۳/۱۳	۲/۶۲
	زن	۳۷	۰/۱۱	۲۱/۸۶	۱/۸۷
	کل	۶۷	۰/۲۱	۲۲/۴۵	۲/۳۱
کشاورزی	مرد	۲۳	۰/۰۷	۲۲/۴۹	۲/۵۴
	زن	۲۸	۰/۰۹	۲۱/۶۹	۱/۷۲
	کل	۵۱	۰/۱۶	۲۲/۱۱	۲/۲۹
نمونه کلی	مرد	۱۴۸	۰/۴۶	۲۲/۶۷	۲/۴۰
	زن	۱۷۳	۰/۵۴	۲۱/۶۰	۱/۶۶
	کل	۳۲۱	۰/۱۰۰	۲۲/۰۵	۲/۲۸

این‌رو، پژوهش حاضر در پی بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال در یک جمعیت بهنجار ایرانی برآمده است.

### روش

مطالعه‌ی حاضر در چارچوب طرح‌های همبستگی و روان‌سنجی انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش عبارت بود از کلیه‌ی دانشجویانی که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب نمونه معرف و دقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین دانشجویان ۳۲۱ نفر انتخاب شدند. فراوانی و فراوانی نسبی تعداد نمونه بر حسب گروه‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی پژوهش به تفکیک جنسیت، در جدول ۱ ارائه شده است.

### ابزار

مقیاس حالت دلبستگی بزرگسال (SAAM)؛ این مقیاس بیست و یک ماده‌ای در سال ۲۰۰۹ توسط گیلات و همکارانش تدوین شده است و سه حالت دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی را با استفاده از یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای می‌سنجد. برای آماده‌سازی و بکارگیری این مقیاس در جامعه‌ی

مقیاس بود. برای بررسی روایی افتراقی<sup>۱</sup> این مقیاس نیز، از فرم حالت مقیاس عواطف مثبت و منفی (PANAS)<sup>۲</sup>، سیاهه صفت و حالت اضطراب اسپیلبرگر (STAI)<sup>۳</sup>، و پرسشنامه حساسیت به طرد (RSQ)<sup>۴</sup> استفاده شد؛ این نتایج نیز، نشان‌دهنده روایی افتراقی مطلوب SAAM بود. همچنین، این پژوهشگران ضرایب اعتبار این مقیاس را، هم از روش همسانی درونی و هم از روش بازآزمایی، در حد مطلوبی گزارش دادند.

در مجموع، وجود ابزارهای مناسب و منطبق با فرهنگ برای ارزیابی سازه‌های گوناگون، همواره یکی از بسترهای مهم پیشبرد اهداف علمی، به‌ویژه علم روان‌شناسی، در هر جامعه‌ای است. با عنایت به این امر و با توجه به رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با سازه‌های مختلف روان‌شناختی، اهمیت اساسی سبک‌های دلبستگی در آسیب‌شناسی روانی، تبیین مشکلات رفتاری، و وجود شواهد متقاعدکننده مبنی بر بروز نوسانات موقتی متأثر از رویدادهای محیطی در سبک‌های دلبستگی، لزوم دسترسی به ابزاری با ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب، برای ارزیابی حالت دلبستگی بزرگسال آشکار می‌گردد. از

1. Discriminant Validity

2. Positive and Negative Affect Schedule (PANAS)

3. Spielberger

4. Rejection sensitivity Questionnaire (RSQ)



درونی و روایی مطلوبی برای این سیاهه گزارش نموده‌اند.

سیاهه‌ی *اضطراب بک (BAI)*؛ این سیاهه یک ابزار خودگزارشی است و دارای بیست و یک گویه می‌باشد که در سال ۱۹۸۸ توسط بک، اپستین<sup>۴</sup>، براون<sup>۵</sup> و اسریر<sup>۶</sup> طراحی شده است. این ابزار شدت کلی اضطراب را ارزیابی می‌کند. آزمودنی‌ها می‌بایست بر اساس یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای، شدت علائم مطرح‌شده را با توجه به وضعیت فعلی خود درجه‌بندی کنند. بک و همکارانش (۱۹۸۸)، ضریب همسانی درونی این سیاهه را با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ و اعتبار بازآزمایی آن را ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. همچنین، این پژوهشگران روایی همزمان و افتراقی مطلوبی را برای این سیاهه گزارش دادند (بک و همکاران، ۱۹۸۸). در ایران نیز، کویانی و موسوی (۱۳۸۷)، ضرایب بازآزمایی، ثبات درونی و روایی این آزمون را، در جامعه ایرانی، به ترتیب، ۰/۸۳، ۰/۹۲ و ۰/۷۲ گزارش کردند و نسخه فارسی این سیاهه را به‌عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی‌های بالینی و پژوهشی در جمعیت ایرانی دانستند.

نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی مقیاس دلبستگی بزرگسال (*RAAS*)؛ این مقیاس که در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید مورد بازنگری قرار گرفت، مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه‌ی شکل‌دهی روابط دلبستگی را، نسبت به چهره‌های دلبستگی، به‌صورت خودگزارشی می‌سنجد. این مقیاس دارای هجده گویه است که سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از نوع لیکرت، ارزیابی می‌کند. کولینز و رید (۱۹۹۰) بر پایه‌ی توصیف‌هایی که در پرسشنامه‌ی دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور در مورد سه سبک دلبستگی اصلی وجود داشت، مواد مقیاس خود را تدوین کرده‌اند. این مقیاس از سه زیر مقیاس وابستگی<sup>۷</sup>، نزدیک بودن<sup>۸</sup> و اضطراب تشکیل

ایرانی از روش ترجمه مضاعف استفاده شد. ابتدا مقیاس توسط مؤلفان به فارسی ترجمه شد، سپس دو تن از اساتید روان‌شناسی و دو تن از اساتید زبان و ادبیات انگلیسی، دو نسخه فارسی و انگلیسی این مقیاس را، هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ نگارش، تطبیق دادند. پس از دریافت بازخورد آن‌ها مشکلات موجود در ترجمه رفع گردید. در مرحله بعدی، نسخه فارسی توسط یکی از دانشجویان دکتری زبان و ادبیات انگلیسی مجدداً به انگلیسی ترجمه شد. سپس ترجمه‌ی مذکور با نسخه‌ی اصلی مقیاس مطابقت داده شد تا مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود در نسخه ترجمه شده این مقیاس تصحیح گردد.

ویرایش دوم سیاهه‌ی *افسردگی بک (BDI-II)*؛ این سیاهه شامل بیست و یک گویه است و علائم روانی و جسمانی افسردگی، به‌ویژه محتوای شناختی افسردگی، را به‌صورت خودگزارشی ارزیابی می‌کند. هفت گویه از این سیاهه، علائم انگیزشی/عاطفی، هفت گویه علائم شناختی و هفت گویه علائم جسمانی افسردگی را می‌سنجد. آزمودنی باید جمله‌های هر گروه از گویه‌ها را با دقت مطالعه کنند و جمله‌ای را که با وضع کنونی او بیشتر هماهنگ است، انتخاب کند. دامنه نمرات برای هر گویه از ۰ تا ۳ می‌باشد؛ به‌طوری که نمره‌ی صفر بیانگر عدم وجود علائم افسردگی و نمره‌ی سه نشانگر شدت افسردگی است. بک، کاواس<sup>۱</sup> و ویسمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) اعتبار بازآزمایی این سیاهه را، پس از یک هفته، ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. همچنین، این پژوهشگران ضریب همبستگی *BDI-II* را نیز با مقیاس افسردگی هامیلتون ۰/۷۱ گزارش کرده‌اند (بک و همکاران، ۱۹۷۹). به‌طور کلی، *BDI-II* به‌عنوان یک ابزار معتبر و روا برای تشخیص و سنجش شدت افسردگی در سراسر دنیا شناخته شده است و از آن در پژوهش‌های متعددی استفاده شده است. در فرهنگ ایرانی، دابسون<sup>۳</sup> و محمدخانی (۱۳۸۶) ضمن بررسی ۳۵۳ نفر از بیماران مبتلا به افسردگی اساسی، ضرایب همسانی

4. Epstein

5. Brown

6. Sreer

7. Dependence

8. Closeness

1. Kavacs

2. Weissman

3. Dobson



جدول ۲. ساختار عاملی و همبستگی‌های درونی گویه‌های

مقیاس حالت دل‌بستگی بزرگسال

	اضطرابی	اجتنابی	ایمن	
مقدار ویژه عامل	۳/۹۲۴	۳/۰۰۱	۲/۶۵۷	
میزان واریانس تبیین شده	۱۸/۶۸۵	۱۴/۲۹	۱۲/۶۵	همبستگی
گویه‌ها	بار عاملی	۳	۱	با زیرمقیاس مربوطه
گویه شماره ۱۲	۰/۷۹۶			***۷۹۰/
گویه شماره ۱۹	۰/۷۶۷			***۷۷۰/
گویه شماره ۸	۰/۷۶۳			***۷۸۰/
گویه شماره ۷	۰/۷۱۹			***۷۱۰/
گویه شماره ۱	۰/۷۰۳			***۷۳۰/
گویه شماره ۱۷	۰/۶۰۱			***۶۳۰/
گویه شماره ۱۴	۰/۴۸۶			***۵۰/۵
گویه شماره ۵	۰/۳۷۷			***۱۰/۵
گویه شماره ۱۰	۰/۷۴۲			***۷۳۰/
گویه شماره ۳	۰/۷۰۳			***۷۲۰/
گویه شماره ۲	۰/۶۷۸			***۷۲۰/
گویه شماره ۹	۰/۶۵۵			***۶۷۰/
گویه شماره ۱۶	۰/۶۲۱			***۶۹۰/
گویه شماره ۱۵	۰/۴۰۴			***۹۰/۵
گویه شماره ۲۱	۰/۳۱۴			***۳۰/۵
گویه شماره ۱۳	۰/۸۲۳			***۸۱۰/
گویه شماره ۶	۰/۸۱۵			***۸۳۰/
گویه شماره ۴	۰/۵۸۴			***۶۲۰/
گویه شماره ۱۱	۰/۵۸۳			***۹۰/۵
گویه شماره ۱۸	۳۱۱۰/			***۵۰/۵

روش استخراج: مؤلفه‌های اصلی چرخش: واریماکس \*\*\*= P < 0/001

بین آن‌ها توزیع می‌نمودند. شرکت کننده‌ها به صورت گروهی به پرسشنامه‌ها پاسخ می‌دادند. در طول مدت پاسخ‌دهی شرکت کننده‌ها، پژوهشگران حضور فعال داشتند تا از بروز پاسخ‌های تصادفی (تحویل سریع پرسشنامه‌ها یا پاسخ‌دهی بدون تمرکز) جلوگیری نمایند و در صورت لزوم به آن‌ها پاسخ دهند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها توسط برنامه SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی آماری، علاوه بر آمار توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی استفاده شد.

### یافته‌ها

برای بررسی ساختار عاملی مقیاس حالت دل‌بستگی بزرگسال (SAAM)، از روش تحلیل مؤلفه‌ای اصلی<sup>۱</sup> با چرخش واریماکس<sup>۲</sup> در سطح ماده استفاده شد. در گام نخست، برای تعیین کفایت نمونه‌گیری پژوهش، از آزمون کیزر-می‌یر-اوکلین (KMO)<sup>۳</sup> استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که می‌توان با این نمونه به تحلیل عاملی اقدام نمود (KMO= ۰/۸۲). در نهایت، نتایج آزمون گرویت بارتلت<sup>۴</sup> ( $\chi^2(210) = 20.72; p < 0.001$ ) نیز نشان داد که می‌توان ساختار عاملی خاصی را از این مقیاس استخراج نمود. سپس با در نظر گرفتن مقادیر ویژه و شیب نمودار سنگ‌ریزه، ساختار سه عاملی انتخاب شد. همچنین، نتایج حاصل از بررسی و تطبیق دادن گویه‌ها با سه عامل استخراج‌شده، نشان داد که این ساختار، به بهترین شکل هماهنگی داده‌های پژوهشی را با ساختار نظری مقیاس، انعکاس می‌دهد؛ همچنین، این ساختار توانست بیش از ۴۵/۶۳ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کند. برای تطبیق دادن گویه‌ها با هر یک از عوامل، چندین ملاک در نظر گرفته شد؛ بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳۰، به‌عنوان بار عاملی معنادار در نظر گرفته شد؛ گویه شماره بیست (احساس می‌کنم می‌توانم به افرادی که با من

گردیده که هر یک از آنها در بردارنده شش ماده است. به‌طور کلی، زیرمقیاس اضطراب با دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا، زیرمقیاس نزدیک بودن با دل‌بستگی ایمن و زیرمقیاس وابستگی با دل‌بستگی اجتنابی تطابق دارد (کولینز و رید، ۱۹۹۰).

کولینز و رید (۱۹۹۰)، اعتبار زیرمقیاس‌های این مقیاس را هم از طریق آلفای کرونباخ و هم از روش بازآزمایی پس از دو ماه بازآزمون، بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز، پاکدامن (۱۳۸۰)، روایی و اعتبار نسخه‌ی فارسی این مقیاس را در حد مطلوبی گزارش کرده است.

مؤلفان پس از کسب رضایت و توضیح فرایند پژوهش به شرکت کننده‌ها، مجموعه‌ی آزمون‌ها را

1. Principal Component Analysis (PCA)

2. varimax rotation

3. Kaiser-meyer-olkin

4. Bartlett's test of sphericity







همبستگی معنی‌داری با یکدیگر ندارند؛ در حالی که حالت دل‌بستگی ایمن با اجتنابی، همبستگی معنادار و منفی با یکدیگر دارد. به‌طور کلی، این نتایج نیز، با نتایج پژوهش گیلان و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در این پژوهش، که ترکیبی از هفت پژوهش بر نمونه‌های مجزا بود، تنها ارتباط بین زیرمقیاس‌های حالت دل‌بستگی ایمن و اجتنابی در حد معنادار بود؛ در حالی که روابط بین زیرمقیاس‌های حالت دل‌بستگی ایمن با اضطرابی و حالت دل‌بستگی اضطرابی با اجتنابی، در اکثریت قریب به اتفاق موارد غیر معنادار بود. این امر نشان‌دهنده این است که زیرمقیاس‌های مقیاس حالت دل‌بستگی بزرگسال، هم در نمونه ایرانی و هم در نمونه اصلی، عامل‌هایی را ارزیابی می‌کند که مستقل از یکدیگر هستند.

به‌علاوه، نتایج حاصل از بررسی روایی ملاکی این مقیاس با سیاهه‌های افسردگی و اضطراب یک نیز، حاکی از روایی ملاکی مطلوب این مقیاس است. این نتایج نیز با پژوهش‌های پیشین (برای مثال، تاسکا<sup>۱</sup>، شادکواسکی<sup>۲</sup>، ایلینگ<sup>۳</sup>، ترینر<sup>۴</sup>، گرینون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ مورلی<sup>۶</sup> و موران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱؛ لوییس<sup>۸</sup>، فرینگ<sup>۹</sup>، مگ‌گافوگ<sup>۱۰</sup> و جسکیر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۴؛ وارن<sup>۱۲</sup>، هاستون<sup>۱۳</sup>، ایگلاند<sup>۱۴</sup> و اسرف<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۷) همسو است. تاسکا و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهش خود، به این نتیجه دست یافتند که دل‌بستگی اضطرابی از طریق عامل واسطه‌ای واکنش هیجانی در علایم افسردگی و اختلال خوردن نقش دارد. همچنین، پژوهش مورلی و موران (۲۰۱۱) نیز، نشان داد که تجارب اولیه در روابط که به

سبک‌های دل‌بستگی تحت تأثیر عوامل موقعیتی قرار می‌گیرد. رویدادهای زندگی، به‌ویژه رویدادهایی که در ارتباط با روابط صمیمانه بین‌فردی است، به‌صورت موقتی بر سبک‌های دل‌بستگی یا سطوح احساس ایمنی و ناایمنی، تأثیر می‌گذارد. بر همین مبنای گیلان و همکاران (۲۰۰۹)، مقیاسی را تدوین نمودند که بتواند حالت دل‌بستگی بزرگسال را با توجه به سه بعد دل‌بستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی ارزیابی کند. مقیاس حالت دل‌بستگی بزرگسال (SAAM) حاصل تلاش این پژوهشگران برای بررسی حالت دل‌بستگی است. پژوهش حاضر نیز، برای بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان-سنجی این مقیاس در جامعه‌ی بهنجار ایرانی انجام شد.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی، ساختار سه عاملی را برای این مقیاس نشان داد که با نتایج پژوهش اصلی (گیلان و همکاران، ۲۰۰۹) همسو است. گیلان و همکاران (۲۰۰۹) نیز، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، سه عامل را از مجموع ۵۲ گویه اولیه استخراج کردند. در این پژوهش، پس از کاهش گویه‌ها از پنجاه و دو به سی و دو گویه، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد؛ نتایج نشان داد که مدل سه عاملی بهترین ساختار برای سنجش حالت‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی است؛ به‌طور کلی، این مدل ۴۷/۳ درصد از کل واریانس مقیاس ۳۲ ماده‌ای را تبیین کرد. همچنین، این پژوهشگران، در یک نمونه‌ی جداگانه، برای بررسی برازش مدل سه عاملی استخراج‌شده از تحلیل عاملی اکتشافی اولیه، برای بار دوم به تحلیل عاملی تأییدی اقدام کردند و به این نتیجه دست یافتند که این مدل، به‌طور مناسبی ساختار حالت دل‌بستگی را توصیف می‌کند. به‌طور کلی، این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش حاضر هماهنگ است. با این حال، با حذف گویه شماره بیست و جابجایی گویه شماره هفت از زیر مقیاس ایمن به اضطرابی، تغییراتی جزئی در ساختار عاملی این مقیاس در نمونه ایرانی ایجاد شد.

نتایج حاصل از بررسی همبستگی بین زیرمقیاس‌ها، نشان داد که حالت دل‌بستگی ایمن با اضطرابی و حالت دل‌بستگی اضطرابی با اجتنابی،

1. Tasca
2. Szadkowski
3. Illing
4. Trinneer
5. Grenon
6. Morley
7. Moran
8. Lewis
9. Feiring
10. McGuffog
11. Jaskir
12. Warren
13. Huston
14. Egeland
15. Sroufe



آسیب‌پذیری افراد نسبت به شکل‌دهی اختلالات هیجانی در سال‌های بعدی زندگی آنها می‌شود. بک (۱۹۶۷)، تجارب اولیه افراد با دیگران مهم - که شامل والدین، خواهر و برادرها می‌شود - را در رشد طرحواره‌های شناختی، بسیار با اهمیت می‌دانست؛ برای مثال، وی مطرح می‌کند که مورد قضاوت قرار گرفتن توسط دیگران مهم، نقش مهمی در شکل‌گیری خودپنداره افراد ایفا می‌کند. طبق نظریه بک (بک، ۱۹۷۶)، الگوهای شناختی ناکارآمدی که از تجارب بین‌فردی اولیه افراد ریشه می‌گیرد، بعدها منجر به بروز افسردگی، به‌دنبال رویدادهای ناگوار زندگی می‌شود. بالبی نیز، بیان می‌کند که بازنمایی‌های فرد از خود، که ریشه در تجارب دلبستگی اولیه دارد، اسنادهای درماندگی‌گونه - اسناد دادن شکست‌ها به ویژگی‌های درونی، پایدار و کلی - را در پاسخ به موقعیت‌های چالش‌زا تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرد را در صورت مواجهه با رویدادهای منفی زندگی، در معرض افسردگی قرار می‌دهد (نولن‌هوکسما<sup>۷</sup>، گیرگوس<sup>۸</sup> و سلیگمن<sup>۹</sup>، ۱۹۸۶). همچنین، طبق نظر بالبی، انواع مختلف اختلالات اضطرابی نیز، با اضطراب در مورد در دسترس بودن چهره دلبستگی، به بهترین صورت قابل تبیین است (کسیدی<sup>۱۰</sup> و شیور، ۲۰۰۸).

در پژوهش حاضر، از نسخه تجدید نظرشده مقیاس دلبستگی بزرگسال (RAAS) نیز، برای بررسی روایی همگرا، استفاده شد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، حالت دلبستگی ایمنی با زیرمقیاس نزدیک بودن و وابستگی RAAS همبستگی مثبت و معناداری دارد و با زیرمقیاس اضطراب RAAS همبستگی منفی دارد. همچنین، زیرمقیاس حالت دلبستگی اضطرابی با زیرمقیاس اضطراب RAAS همبستگی مثبت و معنادار، و با زیرمقیاس‌های نزدیک بودن و وابستگی همبستگی منفی دارد. در نهایت، زیرمقیاس حالت دلبستگی اجتنابی با زیرمقیاس اضطراب همبستگی مثبت و معنادار، و با زیرمقیاس‌های نزدیک بودن و وابستگی

صورت دلبستگی نایمن نمود پیدا می‌کند، فرد را در معرض خطر رشد نوعی چهارچوب شناختی قرار می‌دهد که در صورت وقوع رویدادهای استرس‌زا آسیب‌پذیری فرد را نسبت به افسردگی افزایش می‌دهد. لوییس و همکاران (۱۹۸۴) و وارن و همکاران (۱۹۹۷)، در دو پژوهش مجزا، ارتباط سبک‌های دلبستگی و اختلالات اضطرابی را به صورت طولی بررسی کردند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد پسرانی که دلبستگی دوسوگرا دارند، نسبت به افراد دارای دلبستگی ایمن، در شش سالگی شکایات بدنی بیشتری دارند؛ پسرانی که دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی دارند نسبت به افراد دارای دلبستگی ایمن، بیشتر از اجتماع کناره‌گیری می‌کنند؛ با این وجود، چنین رابطه‌ای در بین دختران مشاهده نشد. همچنین، وارن و همکاران (۱۹۹۷)، دریافتند که کودکان دارای دلبستگی دوسوگرا، نسبت به کودکان ایمن و اجتنابی با احتمال بیشتری در سن ۱۷/۵ سالگی تشخیص اختلالات اضطرابی دریافت خواهند کرد.

نتایج پژوهش باره‌ایم<sup>۱</sup>، دان<sup>۲</sup>، اشل<sup>۳</sup> و ساگی<sup>۴</sup> - شوارتز<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نیز نشان داد کودکانی که دارای دلبستگی دوسوگرا بودند، نسبت به کودکان دارای دلبستگی ایمنی، سطوح بالاتری از هراس از مدرسه نشان دادند. نتایج تحقیق روزنشتاین<sup>۵</sup> و هوروویتز<sup>۶</sup> هوروویتز<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) نیز، نشان داد ۶۵ درصد از افرادی که در پرسشنامه شخصیتی میلون در مقیاس اضطرابی نمرات بالاتری گرفتند، دارای حالت‌های ذهنی دلبستگی آشفته بودند.

گذشته از داده‌های پژوهشی پیش‌گفته، ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و انواع اختلالات اضطرابی و افسردگی در بسیاری از مدل‌های نظری نیز تبیین شده است. بک (۱۹۶۷) و بالبی (۱۹۸۰) هر دو بیان می‌کنند که تجارب اولیه زندگی، تأثیر نیرومندی بر شکل‌گیری طرحواره‌های شناختی افراد دارد؛ این طرحواره‌های شناختی، منجر به

1. Bar-Haim

2. Dan

3. Eshel

4. Sagi-Schwartz

5. Rosenstein

6. Horowitz

7. Nolen-Hoeksema

8. Girgus

9. Seligman

10. Cassidy



حاضر همسو است.

طبق مدل بالبی (بالبی، ۱۹۸۰؛ ۱۹۷۳)، تمام افراد دارای مدل‌های درونی فعالی هستند که در موقعیت‌های مختلف و بنا به اقتضای روابط، فعال و بکار برده می‌شود. از نظر بالبی (۱۹۸۰)، باز نمایی‌های ذهنی درباره خود و دیگران، بازتاب دقیقی از تجارب واقعی فرد در جریان روند شکل‌گیری دلبستگی است؛ اگرچه در مدل بالبی، مدل‌های کاری درونی پایداری که در اوایل زندگی شکل گرفته‌اند، بیشتر تأکید شده است؛ اما با این وجود، نتایج پژوهش‌های گوناگونی (برای مثال، فینی و نولر، ۱۹۹۲؛ کیرکاپتریک و هازن، ۱۹۹۴؛ داویلا<sup>۱</sup> و سارگنت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)، نشان می‌دهند که در بافت روابط نزدیک، با وارد شدن فرد در یک رابطه جدید و کسب تجارب جدید در خلال روابط بین فردی آتی، این مدل‌ها مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد و تعدیل می‌شوند. فینی و نولر (۱۹۹۲)، در پژوهشی دریافتند که روابط مستحکم و پایدار در آینده، ارتباط مستقیمی با افزایش دلبستگی ایمن و کاهش دلبستگی نایمن دارد. همچنین، کیرکاپتریک و هازن (۱۹۹۴)، تجارب ارتباطی در بزرگسالی، سبک‌های دلبستگی را تعدیل می‌کند. از هم پاشیدگی ارتباطات، با تغییر از حالت دلبستگی ایمن به حالت دلبستگی نایمن سبک‌های دلبستگی در ارتباط است؛ برای مثال، افراد اجتنابی که روابط جدیدی را شکل می‌دهند، نسبت به کسانی که این روابط جدید را تجربه نمی‌کنند، احتمال کمتری دارد که در همان حالت اجتنابی باقی بمانند. هم‌چنین، داویلا و سارگنت (۲۰۰۳)، دریافتند که ادراک فقدان بیشتر در مورد روابط بین فردی مرتبط با رویدادهای زندگی، به‌طور مستقیمی با نایمینی بیشتر در دلبستگی ارتباط دارد. مهم‌تر این‌که، سطوح صفت دلبستگی ایمن، این ارتباط را تعدیل نمی‌کند؛ به‌همین دلیل، این پژوهشگران پیشنهاد کردند که حالت دلبستگی یا نوسانات در احساس ایمنی، مستقل از سبک‌های دلبستگی صفتی است؛ چراکه، نمرات حالات دلبستگی، می‌توانند به‌طور مستقل، بخشی از

همبستگی منفی دارد. البته شایان ذکر است که زیرمقیاس وابستگی در RAAS بعدی را ارزیابی می‌کند که معکوس دلبستگی اجتنابی است. بنابراین، همان‌طور که این نتایج نشان می‌دهد، حالت‌های دلبستگی با صفات و رگه‌های دلبستگی، همبستگی معنادار و متوسطی داشتند. مقیاس RAAS، گرایش‌های پایدار و تجارب کلی افراد را در روابط بین فردی ارزیابی می‌کند؛ گرچه حالات دلبستگی نیز، تا حدی گرایش‌های پایدار افراد در نوع روابط شان را نشان می‌دهد، اما صفت و حالت دلبستگی، ارتباط کاملی با یکدیگر ندارند؛ چرا که، حالات دلبستگی تحت تأثیر موقعیت هستند. همسو با این دلیل، در این پژوهش نیز، همبستگی این دو مقیاس در هر سه سبک دلبستگی، در حد متوسطی به‌دست آمد. گیلان و همکاران (۲۰۰۹) نیز، در پژوهش اصلی خود، برای بررسی روایی SAAM، از روش روایی همگرا و واگرا استفاده کردند. این پژوهشگران، برای سنجش روایی همگرا از دو پرسشنامه تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR) و پرسشنامه روابط (RQ) استفاده کردند. پرسشنامه تجارب مربوط به روابط نزدیک یک پرسشنامه سی و شش سؤالی است که سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی را می‌سنجد و پرسشنامه روابط نیز مقیاسی است که از چهار عبارت کوتاه تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها، یک الگوی نوعی دلبستگی که در روابط نزدیک بزرگسالان به کار برده می‌شود (ایمن، اضطرابی، آشفته، اجتنابی) را توصیف می‌کند. زیرمقیاس حالت ایمن با زیرمقیاس ایمن RQ به‌طور متوسط در ارتباط بود، با ابعاد نایمن RQ و ابعاد اضطراب و اجتنابی ERC نیز همبستگی منفی داشت. زیرمقیاس اضطرابی SAAM با اضطراب ECR و ابعاد اضطرابی و آشفته RQ همبستگی مثبت داشت و با زیرمقیاس اجتنابی RQ همبستگی منفی نشان داد. در نهایت، زیرمقیاس اجتنابی به‌طور مثبتی با اجتناب ECR، اجتناب و اضطراب RQ و به میزان کمتری با اضطراب ECR به‌طور مثبتی همبستگی داشتند و با زیرمقیاس ایمن RQ همبستگی منفی نشان دادند. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نیز با نتایج حاصل از بررسی روایی همگرای این مقیاس در پژوهش

<sup>1</sup>. Davila

<sup>2</sup>. Sargent



روان‌سنجی این مقیاس در جمعیت‌ها و گروه‌های سنی گوناگون در پژوهش‌های آتی بررسی شود. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود برای بررسی نحوه تغییر سبک‌های دلبستگی و حالات دلبستگی، با در نظر گرفتن موقعیت‌های تأثیرگذار بر این سبک‌ها، از این ابزار در گروه‌های سنی مختلف استفاده شود. همچنین، با توجه به این نکته که به‌راحتی نمی‌توان مشخص نمود که حالت‌های دلبستگی کنونی افراد، چگونه در ارتباط با بازنمایی مدل‌های کاری تعمیم‌یافته و ذهنی قرار می‌گیرد که در جریان تحول در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود تا در این زمینه پژوهش‌های طولی انجام گیرد. در پایان، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، در موقعیت‌های مختلفی که تغییر سبک‌های دلبستگی مطرح می‌شود، مانند محیط‌های درمانی، از این مقیاس استفاده شود تا از این رهگذر، توان این مقیاس برای سنجش تغییر حالات دلبستگی بررسی شود.

### منابع

- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- دایسون، کیت. استفان و محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۶). مختصات روان‌سنجی پرسشنامه افسردگی بک-۲ در یک نمونه بزرگ مبتلایان به اختلال افسردگی اساسی. توان-بخشی، ۲۹، ۸۰-۸۶.
- کاوایانی، حسین و موسوی احمد. (۱۳۸۷). ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه اضطراب بک در طبقات سنی و جنسی جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۶۶، ۱۴۰-۱۳۶.

### References

- Ainsworth, M. D. (1979). Infant-mother attachment. *American psychologist*, 34, 932-937.
- Ainsworth, M. D. (1989). Attachment beyond infancy. *American psychologist*, 44, 709-716.
- Baldwin, M. W., & Fehr, B. (1995). On the instability of attachment style ratings. *Personal Relationships*, 2, 247-261.
- Bar-Haim, Y., Dan, O., Eshel, Y., Sagi-Schwartz, A. (2007). Predicting children's anxiety from early attachment relationships. *Journal of Anxiety Disorders*, 21, 1061-1068.
- Beck, A. T. (1967). *Depression*. New York: Harper

واریانس پیامدهای روان‌شناختی، رفتاری و ارتباطی (مانند هیجان‌ات بین‌فردی و رضایت و پایداری روابط) را تبیین کنند. بنابراین همسو با نتایج پژوهش حاضر، پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهند که سبک‌های دلبستگی صرفاً به‌صورت صفاتی پایدار و غیرقابل تغییر نیستند، بلکه تجارب عاطفی و ارتباطی فرد در آینده، سبک‌های دلبستگی افراد و مدل‌های فعال درونی آنها را تعدیل می‌کند و در موقعیت‌های مختلف، و بنا به اقتضای روابط، افراد در مدل‌های کاری و سبک‌های دلبستگی خود انعطاف نشان می‌دهند.

نتایج حاصل از بررسی اعتبار این مقیاس، با استفاده از روش ضریب همسانی درونی (آلفا در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۴)، حاکی از اعتبار قابل قبول نسخه فارسی این مقیاس است. گیلان و همکاران (۲۰۰۸) نیز، به نتایج مطلوبی در رابطه با بررسی اعتبار، با استفاده از روش ضریب همسانی درونی و بازآزمایی، دست یافتند. این پژوهشگران، ضریب آلفای SAAM را در جامعه اصلی، بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ و ضرایب بازآزمایی ابعاد این مقیاس را پس از سه ماه بازآزمایی، در یک جمعیت نود و سه نفری، بین ۰/۵۱ تا ۰/۵۹ به‌دست آوردند که حاکی از اعتبار مناسب این مقیاس است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، گرچه همسانی درونی این مقیاس در حد مطلوبی است، اما اعتبار بازآزمایی آن، تا حدودی کمتر به‌دست آمده است؛ این نتایج نیز با توجه به ماهیت حالت دلبستگی که تحت تأثیر موقعیت‌ها است، قابل تبیین است.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب SAAM در یک نمونه ایرانی است؛ بنابراین، می‌توان با استفاده از این مقیاس، حالات دلبستگی افراد را، در موقعیت‌هایی مانند محیط‌های درمانی، برای ارزیابی اثربخشی انواع درمان‌ها، به‌ویژه درمان‌های مبتنی بر سبک‌های دلبستگی، و تغییرات ایجادشده در سبک‌های دلبستگی، بکار برد.

از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، محدود بودن جامعه پژوهش به دانشجویان بود که تعمیم‌پذیری نتایج آن را تنها به این قشر محدود می‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود ویژگی‌های



- J. (1984). Predicting psychopathology in six-year-olds from early social relations. *Child Development*, 55, 123-136.
- Main, M., & Hess, E. (1992). Disorganized/disordered infant behavior in the strange situation: Lapses in the monitoring of reasoning and discourse during the parent's adult attachment interview and dissociative states. In J. Stevenson-Hind, C. M. Parks. (Eds.), *Attachment and psychoanalysis*. Rome: Gius laterza and Figoli.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment patterns in adulthood: Structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press.
- Morle, T. A., & Moran, G. (2011). The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. *Clinical Psychology Review* 31, 1071-1082.
- Morton, N., & Browne, K. D. (1998). Theory and observation of attachment and it's relation to child maltreatment: A review. *Child abuse and Neglect*, 22, 1093-1104.
- Nolen-Hoeksema, S., Girgus, J. S., & Seligman, M. E. (1986). Learned helplessness in children: A longitudinal study of depression, achievement, and explanatory style. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(2), 435-442.
- Overall, N. C., Fletcher, G. J. O., & Friesen, M. (2003). Mapping the intimate relationship mind: Comparisons between three models of attachment representations. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 1479-1493.
- Rosenstein, D. S., & Horowitz, H. A. (1996). Adolescent attachment and psychopathology. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 64, 244-253.
- Simpson, J. A., Collins, W. A., Tran, S., & Haydon, K. C. (2007). Attachment and the experience and expression of emotions in adult romantic relationships: A developmental perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 355-367.
- Tasca, G. A., Szadkowski, L., Illing, V., Trinneer, T., Grenon, R., Demidenko, C., Krysanski, V., Balfour, L., Bissada, L. (2009). Adult attachment, depression, and eating disorder symptoms: The mediating role of affect regulation strategies. *Personality and Individual Differences* 47, 662-667.
- Warren, S. L., Huston, L., Egeland, B., & Sroufe, L. A. (1997). Child and adolescent anxiety disorders and early attachment. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 36, 637-644.
- and Row.
- Beck, A. T., Kavacs, M., Weissman, A. (1979). Assessment of suicidal intention: The scale for suicide ideation. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 47, 343-352.
- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G., & Sreer, R. A. (1988). An inventory for measuring clinical anxiety: psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 893-897.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford Press.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Separation, anger and anxiety*. London: Pamlico.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss. Loss: Sadness and depression* (Vol. 3). New York: Basic Books.
- Cassidy, J & Shaver, P. R. (2008, Eds). *Handbook of Attachment* (Second Edition). New York: The Guilford Press.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Davila, J., & Sargent, E. (2003). The meaning of life (events) predicts change in attachment security. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 1383-1395.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1992). Attachment style and romantic love: Relationship dissolution. *Australian Journal of Psychology*, 44, 69-74.
- Fraley, R. C., & Brumbaugh, C. C. (2004). A dynamical systems approach to understanding stability and change in attachment security. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications* (pp. 86-132). New York: Guilford Press.
- Gillath, O., Selcuk, E., & Shaver, P. R. (2008). Moving toward a secure attachment style: Can repeated security priming help? *Social and Personality Compass*.
- Gillath, O., Hart, J., Nofle, E. E., & Stockdale, G. D. (2009). Development and validation of a state adult attachment measure (SAAM). *Journal of Research in Personality*, 43, 362-373.
- Hammond, J. R., & Fletcher, G. J. O. (1991). Attachment styles and relationship satisfaction in the development of close relationships. *New Zealand Journal of Psychology*, 20, 56-62.
- Hazen, C., shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality, attachment psychology*, 52, 511-524.
- Kirkpatrick, L. A., & Hazan, C. (1994). Attachment styles and close relationships: A four-year prospective study. *Personal Relationships*, 1, 123-142.
- Lewis, M. L., Feiring, C., McGuffog, C., & Jaskir,